

ایدئولوژی تشیع، انقلاب اسلامی و بیداری اسلامی

نقیسه فاضلی‌نیا*

◆ چکیده

وقوع انقلاب اسلامی ایران در منطقه پیامدهایی را به دنبال داشت؛ از جمله اینکه عوامل مؤثر بر ژئوپلیتیک منطقه را متحول ساخت؛ به طوری که ایدئولوژی اسلام ناب و مفاهیم و آموزه‌های انقلابی آن، علاوه بر اینکه رقیبی جدی برای لیبرالیسم غرب محسوب گردید، به عنوان عاملی ژئوپلیتیک، نظر بسیاری از صاحب‌نظران غربی را به خود جلب نمود. لذا شاید بتوان گفت عنصر تشیع در انقلاب اسلامی ایران و سایر جنبش‌های شیعی منطقه، سایر عوامل ثابت و متغیر ژئوپلیتیک منطقه را حساس‌تر و مهم‌تر کرد.

در این مقاله سعی شده است تا به اهمیت ایدئولوژی تشیع، به عنوان یک عنصر مؤثر بر ژئوپلیتیک شیعه، پرداخته شود؛ امری که مبنای خودآگاهی و بیداری در انقلاب ایران و سایر جنبش‌های اسلامی

* کارشناس ارشد علوم سیاسی و مدرس مرکز جامعه الزهرا(س) قم.

منطقه می‌باشد.

واژگان کلیدی: ایدئولوژی، بیداری اسلامی، ژئوپلیتیک شیعه، انقلاب اسلامی.



◆ مقدمه

با نگاهی اجمالی به تئوری‌های روابط بین‌الملل و واقعیت‌های موجود در آن، می‌توان دریافت که محور اساسی آنها برپایه ماتریالیسم است و قدرت آنها براساس عناصر مادی و فیزیکی دولت‌ها تجزیه و تحلیل شده است، اما نهضت‌های اسلامی جهان، عمدتاً مبنای فکری و فلسفی دارند و مبتنی بر تجزیه و تحلیل‌های رئالیستی از قدرت نیستند؛ از این رو، آنها دین را ضرورتی انکارناپذیر برای کل بشریت می‌دانند و آن را به تمام جهانیان عرضه می‌کنند. جنبش‌های اسلامی با اتکا به دین در تمامی مراحل مبارزاتی، این نکته را اثبات کردند که دین - به عنوان یک منبع قدرت سیاسی و اجتماعی - در جهان ناشناخته مانده است. تأثیر چنین امری، فرو ریختن مبنای ماتریالیستی و تجزیه و تحلیل قدرت‌های سیاسی جهان بود. این تحول موجب شد؛ کارشناسان و سیاستمداران جهانی، علاوه بر مسائل مادی و فیزیکی به عوامل معنوی نیز در برآوردهای خود توجه کنند.^۱

از آنجا که مهم‌ترین ویژگی انقلاب اسلامی ایران، ماهیت فکری و فرهنگی آن است، واکنش خصمانه استکبار جهانی در مقابل آن نیز قابل توضیح است.

در واقع آنچه مایه هراس و نگرانی آنهاست، فکر جدید، انسان جدید و مناسبات انسانی - معنوی جدیدی است که انقلاب اسلامی، مطرح کرده است و این تفکر ارتباط مستقیمی با اسلام

۱. محمد پاشاپور، نهضت‌های اسلامی، بازیگران جدید نظام بین‌الملل (تهران: مطالعات اندیشه‌سازان نور، ۱۳۸۲)،

شیعی (عنصر مذهب) دارد.^۱ اسلام شیعی با داشتن مجموعه‌ای از ایده‌ها و نگرش‌های اعتقادی، ارائه‌دهنده یک ایدئولوژی اسلامی برای تعالی انسان و حرکت او به سوی کمال حقیقی است. این سعادت و کمال - بر خلاف وعده ایدئولوژی‌های مادی - نمی‌تواند صرفاً اهداف دنیوی و مادی گروه یا قشری خاص را دربرگیرد، بلکه مبتنی بر اهداف دنیوی و دینی تمام جامعه بشری است.^۲ از این رو، این‌گونه ایدئولوژی مسلمان ایدئولوژی هیمنه‌طلب غرب را به چالش خواهد کشاند.

نکته دیگر آنکه، هر چند ژئوپلیتیست‌ها بر اساس نظریات کلاسیک این مکتب، تأکید بسیاری برحساسیت صرف بر فاصله، کارکرد حایل فضا و مرزها داشتند - یعنی، ارزش‌هایی که در تکنولوژی نظامی آن زمان بسیار حائز اهمیت بودند - ولی در قرن حاضر، شاخص قدرت رهبری کشورها دیگر قدرت نظامی نیست؛ زیرا در حال ورود به عصری هستیم که نزاع مستقیم - که نیازمند نیروهای نظامی است - فرصت بروز پیدا نخواهد کرد. این تحولات، قطعاً باعث افزایش اهمیت مسائل انسانی خواهد شد و فاکتورهای جدید، روش ما را در ارزیابی و اندازه‌گیری موقعیت‌های ژئوپلیتیکی تعیین خواهد نمود.^۳

در حال حاضر در امر ژئوپلیتیک، توجه به عوامل فرهنگی و اعتقادی، حیطه‌های دیگری از هم‌نشینی جغرافیایی را مطرح می‌کند. تا پیش از انقلاب ایران، دین اسلام، تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد؛ اما انقلاب ایران، جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت درآورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که توانایی ایجاد یکی از انقلاب‌های بزرگ تاریخ را دارد. این توانایی باعث شد که بسیاری از نهضت‌های رهایی‌بخش، به ویژه در

۱. محمدرضا شفیعی‌فر، درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی (قم: نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاه‌ها، ۱۳۷۸)، ص ۳۲۶.

۲. حمزه امرایی، انقلاب اسلامی ایران و جنبش‌های اسلامی معاصر (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۳)، ص ۱۴.

۳. محمد صفی، ژئوپلیتیک فرهنگی و مسئله امنیت ملی (تهران: شمس، ۱۳۸۰)، ص ۴۶.

آسیا و آفریقا، توجه خود را به ایران و ایدئولوژی اسلام معطوف کنند.

توجه جنبش‌های آزادیبخش، کشورها و شخصیت‌های اسلامی به نقش پرتوان اسلام در صحنه سیاسی باعث شد که ژئوپلیتیک کشورهایایی که از جمعیت یا اکثریت مسلمان برخوردار بودند در نگرشی مجدد ارزیابی شود. این امر از آنجا اهمیت داشت که پیوستگی جغرافیایی و جایگاه خاص این کشورها - به لحاظ دسترسی به عظیم‌ترین منابع نفتی - خودنمایی می‌کرد و پدیده‌ای به نام جهان اسلام را مطرح می‌ساخت.^۱

به این ترتیب، طرح دیدگاه‌های جدید ژئوپلیتیکی و پیوند آنها با گرایش‌های فرهنگی، نقش جغرافیایی و ژئوپلیتیکی جهان اسلام و سرانجام قدرت انقلاب اسلامی، این اندیشه را به وجود آورد که در پیدایش ویژگی‌های ژئوپلیتیکی، نه تنها باید به ایدئولوژی‌های مذهبی و پارامترهایی مانند قومیت توجه کرد، بلکه باید به توانایی‌های عملیاتی آنها نیز نظر داشت. لذا

قبل از ورود به بحث اصلی، لازم است

واژه «ژئوپلیتیک شیعه» را تعریف کنیم:

«ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیایی سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاور میانه بزرگ با هارتلند ایران است.»^۲

مارتین کرامر، محقق عنود و اسلام‌ستیز آمریکایی نیز در کتاب تشیع، مقاومت و انقلاب به طور ضمنی در مورد اهمیت عنصر ژئوپلیتیک شیعه می‌نویسد:



تا پیش از انقلاب ایران، دین اسلام، تنها یک ایدئولوژی مذهبی محسوب می‌شد؛ اما انقلاب ایران، جنبه‌های بالقوه سیاسی آن را به فعلیت درآورد و تفکر شیعی با انسجام ساختاری خود در ایران نشان داد که توانایی ایجاد یکی از انقلاب‌های بزرگ تاریخ را دارد.

۱. همان، ص ۷۱ و ۷۲.

۲. فرحناز مایل‌افشار، «ژئوپلیتیک شیعه»، نشریه سیاست روز، ۸۳/۳/۵.

در دوران معاصر، تشیع، برخی از قوی‌ترین مفاهیم طغیان انقلابی را پدید آورده است. جنبش‌هایی شیعی، امروزه استراتژی‌های سیاسی فوق‌العاده اصیلی ابداع کرده‌اند که غالباً موجب شگفتی و حیرت دنیای اسلام و غرب شده است. این شیوه در ایران از عظیم‌ترین موفقیت‌ها برخوردار بوده است و الهام‌بخش سایر شیعیان در دنیای عرب و جنوب آسیا نیز شده‌اند. کمربندی از تشیع حیات اقتصادی، استراتژیکی و تاریخی اسلام را در بر می‌گیرد و بخش‌هایی از لبنان، سوریه، عراق، عربستان، کویت، بحرین، ایران، افغانستان، پاکستان و هندوستان را می‌پوشاند. این کمربند که در کشورهای مختلف به اکثریت و اقلیت شیعه تقسیم می‌شود؛ خود دنیایی است که تأثیرات گوناگون در آن به سرعت انتقال می‌یابد.^۱

از طرفی، موقعیت حساس ژئوپلیتیک جهان اسلام و جمعیت بیش از یک میلیارد نفری مسلمانان - که طبق پیش‌بینی‌های به عمل آمده، در بیست سال آینده به حدود ۲ میلیارد نفر خواهد رسید - صاحب‌نظران و سیاستمداران غرب را وادار ساخته است تا در حوزه ژئوپلیتیک به اسلام - به خصوص عنصر تشیع - بپردازند.

در این راستا فرانسوا توال در کتاب خود می‌نویسد:

از میان یک میلیارد معتقد به رسالت (حضرت) محمد(ص) حدود ۱۰ الی ۱۲ درصد شیعه هستند. یعنی جمعیت شیعی در جهان به حدود ۱۴۰ میلیون نفر می‌رسد. درگیری‌های اخیر، همچون انقلاب اسلامی در ایران و جنگ داخلی لبنان، مسئله شیعه را به عنوان یک عامل ژئوپلیتیک مطرح کرده است.^۲

به نظر وی، از این پس باید مطالعه مذهب شیعه برای تجزیه و تحلیل عوامل مهم ژئوپلیتیک جهان معاصر، مورد توجه قرار بگیرد.

با توجه به مطالب فوق، سعی ما بر این است تا به اهمیت ایدئولوژی تشیع - به عنوان یک

۱. تشیع، مقاومت و انقلاب، مجموعه مقالات کنفرانس بین‌المللی دانشگاه تل‌آویو (بی‌جا: بی‌نا، ۱۹۸۴)، ص ۳۶.

۲. فرانسوا توال، ژئوپلیتیک شیعه، ترجمه علیرضا قاسم‌آقا (تهران: نشر نی، ۱۳۷۹)، ص ۹.

عامل مؤثر بر ژئوپلیتیک شیعه - بپردازیم عاملی که مبنای خودآگاهی و بیداری در انقلاب ایران و سایر جنبش‌های اسلامی منطقه شد.

◆ ایدئولوژی تشیع و تأثیر آن بر رفتار کارگزاران انقلاب اسلامی

تحولات هر جامعه، به شدت متأثر از اندیشه و اعتقادات حاکم بر آن جامعه است. از این رو، برای بررسی تحولات اجتماعی، سیاسی و تاریخی هر جامعه و پیروان هر دین و مکتبی، باید در درجه اول به ویژگی آن مکتب بپردازیم؛ و سپس به استنباط و طرز تلقی پیروان هر مکتب از آن، توجه کنیم؛ زیرا آنها هستند که بر اساس اعتقادات و باورهایشان، تاریخ و جامعه خود را می‌سازند.^۱

بنابراین، شناخت انقلاب اسلامی ایران - که هویتی شیعی دارد - بدون شناخت دو امر میسر نیست؛ اول، ایدئولوژی تشیع؛ دوم نقش امام خمینی(س)، به عنوان ایدئولوگ و کارگزار اصلی انقلاب و تفسیرهای وی از آموزه‌های تشیع.

در این راستا، نوع نگرش شیعه نسبت به سیاست و طرز برخورد آن با

در پیدایش ویژگی‌های ژئوپلیتیکی،
نه تنها باید به ایدئولوژی‌های
مذهبی و پارامترهایی مانند قومیت
توجه کرد، بلکه باید به توانایی‌های
عملیاتی آنها نیز نظر داشت.

قدرت‌های سیاسی باید مورد توجه قرار گیرد؛ چراکه این برخورد تحت تأثیر، عقاید و سنت‌های شیعه در متن تاریخ و حیات جمعی شیعیان، شکل گرفته و تعیین‌کننده الگوهای کنش و رفتار سیاسی آنان در پذیرش یا نفی حکومت‌هاست. از این رو، برخی بر این باورند که: مذهب، عقاید، ارزش‌ها، نمادهای مذهبی و فرهنگ سیاسی ناشی از آن، ممکن است مروج و

۱. محمد مسجدجامعی، ایدئولوژی و انقلاب (بی‌جا: بی‌نا، ۱۳۶۱)، ص ۴۴.

الهام‌بخش رفتارهای سیاسی، انقلابی و ستیزه‌جو باشد و این حرکت را تشدید و تسهیل نماید.^۱ به هر حال، برای بررسی جایگاه و اهداف هر انقلاب ایدئولوژیک – چه در عرصه داخلی و چه در عرصه منطقه‌ای و بین‌المللی – اولاً، باید مکتب حاکم بر آن انقلاب را – با توجه به روح و عمق و کلیت آن – بازشناخت. ثانیاً باید به تلقی افراد از آن مکتب توجه داشت.^۲ البته باید گفت، گرچه این تلقی به نوبه خود متأثر از ماهیت خود مکتب است، ولی باید به این نکته نیز توجه کرد که توده‌های انقلابی، تحت چه شرایطی می‌زیسته‌اند و این شرایط، چه تأثیری در اوضاع روانی ساختار اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی آن جامعه و همچنین در خلق، گسترش و تعمیق جو انقلابی آن و تلقی افراد آن از مکتب داشته است. در ادامه، بعد از اشاره‌ای کوتاه به نقش و اهمیت ایدئولوژی در کنش و رفتار کارگزاران، به بیان این نکته می‌پردازیم که، آموزه‌های ایدئولوژی تشیع، چه تأثیری در تبیین محیط ذهنی و ادراکی انقلاب اسلامی دارد؟ آگاهی و بینش شیعیان – به ویژه کارگزاران انقلاب اسلامی – چگونه شکل می‌گیرد؟ و در نهایت به بیان این نکته می‌پردازیم که ایدئولوژی تشیع چه تأثیری در تعیین راهبردهای ایران در منطقه و از جمله، صدور انقلاب دارد.

◆ تأثیر ایدئولوژی بر کنش و رفتار کارگزاران

ایدئولوژی، استنتاجی از یک جهان‌بینی است که مستقل و قائم به ذات نیست، ایدئولوژی به معنای دستورهای کلی سیاسی است که دانسته یا ندانسته بر مبنای فلسفه معینی قرار دارد و یک سیستم فکری سیاسی را تشکیل می‌دهد. این سیستم، راهنمای عمل است و گروه‌هایی از

۱. یدالله هنری لطیف‌پور، فرهنگ سیاسی شیعه و انقلاب اسلامی (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۷۹)،

ص ۵۱.

۲. مسجدجامعی، همان، ص ۱۲۶.

مردم در فعالیت‌های سیاسی - اجتماعی خود از قواعد آن پیروی می‌کنند.^۱ در واقع، ایدئولوژی، استراتژی و تاکتیک‌های رسیدن به هدف را مشخص می‌کند و به عبارتی، آیین‌نامه اجرایی مکتب فکری انقلاب است.^۲

به این ترتیب، می‌توان گفت، ایدئولوژی نوعی نقشه و راهنما برای سیاستمداران و کارگزاران است و کنش و رفتار آنها را هدایت می‌کند. در راستای ایدئولوژی، منازعات و جدال‌ها حل می‌شود، یا برعکس، شکل می‌گیرد و یا گسترش می‌یابد. همچنین، به کمک آن، گذشته تفسیر، زمان حال، توضیح و آینده، پی‌ریزی می‌گردد و راهی انتخاب می‌شود که از نظر ایدئولوژی مطلوب‌تر است.^۳

از طرفی میزان مقاومت یک ایدئولوژی - خصوصاً ایدئولوژی انقلابی و پیکارجو - در برابر حوادث، به میزان تعهدش به اصول مفروضه، انسجام و هماهنگی درونی و توانایی‌اش در حل مشکلات و بن‌بست‌های جدید وابسته است؛ که ویژگی اخیر مرهون دو خصوصیت نخستین است.

به نظر می‌رسد با توجه به نقش و اهمیت ایدئولوژی در رفتار و کنش کارگزاران، تشیع ویژگی‌های ایدئولوژی انقلابی را داراست که توانست توسط ایدئولوگ انقلاب اسلامی، هم‌نظم موجود را زیر سؤال ببرد و هم نظام مطلوب جدیدی را - نه تنها برای ایران، بلکه برای سایر کشورها - پی‌ریزی کند.^۴ لذا در ادامه سعی می‌کنیم با ویژگی‌های ایدئولوژی تشیع بیشتر آشنا شویم.

۱. شفیعی‌فر، همان، ص ۸۹.

۲. همان، ص ۹۰.

۳. عبدالرحمن عالم، بنیادهای علم سیاست (تهران: نشر نی، ۱۳۷۳)، ص ۸۴ و ۸۵.

۴. محمد مسجدجامعی، زمینه‌های تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن (تهران: الهدی، ۱۳۶۹)،

ص ۲۵۲.

◆ مبادی نظری و اعتقادی شیعه

مبادی نظری شیعه، شامل اصول اعتقادی این مکتب است؛ اصولی که مورد توجه خاص و جدی آن است؛ یعنی اصل امامت، عدل، اعتقاد به غیبت امام دوازدهم و ظهور او به اراده الهی و شامل ارزش‌هایی همچون: اجتهاد، شهادت، تقیه، جهاد و... است.

در واقع، تشیع، دکترین‌ها، نظریه‌ها، آموزه‌ها، مفاهیم و نمادهایی داشته است که با ارائه قرائت‌های رادیکال، یا دست‌کم، کنار زدن قرائت‌های محافظه‌کارانه از آنها ایدئولوژیک شده است. بنابراین، ضروری است با آموزه‌های انقلابی تشیع که در راستای رویکرد انقلابی آن مؤثر بوده، آشنا شویم.

امامت

یکی از اصول مذهب تشیع، امامت است. اعتقاد به وجود امام عادل و معصوم، یک اصل انقلابی را در درون خود می‌پروراند و آن اصل اعتقاد به نامشروع بودن همه حکومت‌های غیر معصوم در زمان امام معصوم و غاصبانه بودن همه حکومت‌های غیر مأذون در دوران غیبت

ژئوپلیتیک شیعه به مفهوم امتداد جغرافیای سیاسی شیعیان در کشورهای مختلف خاور میانه بزرگ با هارتلند ایران است.

است. این اصل، بالقوه عنصری انقلابی است که در صورت به فعلیت در آمدن می‌تواند حکومت‌های نامشروع را سرنگون و حکومت مطلوب را جایگزین آنها کند.^۱ بنابراین نظریه، امامت شیعه بر مبنای وصایت، بنا شده است و اصلی که از آن نشئت

۱. روح‌الله حسینیان، تاریخ سیاسی تشیع تا تشکیل حوزه علمیه (مقدمه‌ای بر تاریخ انقلاب اسلامی) (تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۴.

می‌گیرد منجر به نامشروع دانستن دیگر حکومت‌ها و نفی آنها می‌شود؛ این اصل در طول تاریخ موجب تداوم روحیه انقلابی و آمادگی نسبی شیعیان برای انقلاب شده است.^۱

این موضوع را «الوردی»، نویسنده معروف سنی، کاملاً درک کرده است و می‌گوید:

شیعه، نخستین کسانی هستند که تفکر انقلابی و پرچم قیام را در اسلام بر ضد طغیان به دوش کشیدند و همواره نظریه‌های شیعه، روح انقلاب را با خود همراه داشت. عقیده به امامت - که شیعه بدان سخت ایمان داشت - آنها را به انتقاد و اعتراض نسبت به هیئت‌های حاکم و بالاخره به جبهه‌گیری در برابر آنها وامی‌داشت و این حقیقت در سرتاسر تاریخ شیعه مشهود است. به عقیده آنها هر حکومتی به هر شکل و در هر قالبی که باشد، غاصب و ظالم است، مگر آنکه امام معصوم (ع) یا نایب آن، زمام حکومت را در دست گیرد. به همین دلیل بوده که شیعیان به طور مداوم در قلب جریان انقلابی مستمر به سر می‌بردند. نه آرام می‌گرفتند و نه آنان را رها می‌کردند.^۲

عدالت

شیعه، عدالت را از صفات خداوند و جزء اصول مذهب خود می‌داند؛ از این رو، موضعی انقلابی در مقابل کسانی می‌گیرد که مشروعیت حکومت ظالم خود را به خداوند نسبت می‌دهند، شیعه عدالت را از خداوند به تمام نخبگان سرایت می‌دهد و آن را از شرایط لازم خلیفه، والی، حاکم، قاضی، پلیس، امام جمعه، امام جماعت و... می‌داند.^۳

به این ترتیب، می‌توان گفت بزرگ‌ترین انگیزه و حساسیت شیعیان انقلابی، عدالتخواهی آنان است. به عبارت دیگر، ویژگی مهم ایدئولوژی اسلامی - سیاسی آنها عدالتخواهی است. این اصل برای شیعیان منبع تحرک و الهام است و آنان را وامی‌دارد تا برای برقراری عدالت

۱. همان، ص ۱۸.

۲. همان.

۳. همان، ص ۱۹.

برخیزند و تلاش کنند، اسلامی را استقرار بخشند که پیام اصلی‌اش عدالت است. آنان بر خلاف اهل سنت - که در درجه اول اسلام را دین قدرت می‌دانند - در درجه نخست اسلام را دین عدالت و تاریخ راستینش را تاریخ عدالت و دادگستری می‌دانند.^۱

به این ترتیب، در مکتب تشیع، احیای سیاسی مذهب، بر محور ارائه تفسیری تازه از یک سلسله مفاهیم اصلی شیعه

متکی بود که هدف آن ایجاد نوعی تحرک سیاسی و ظلم‌ستیزی بود. فقهای برجسته اهل سنت، مبنای اطاعت از حکام را حکم کلی قرآن می‌دانند و معتقدند که بر اساس آن، باید از خدا، پیغمبر(ص) و اولی‌الامر اطاعت نمود و به هر حال، وجود یک رژیم جائر، بهتر از هرج و مرج است. اما در مکتب شیعه اینگونه نیست و وجود دو واقعه، زمینه‌های بالقوه‌ای برای ایجاد انقلاب هستند:

واقعه اول، موضوع غیبت امام عصر(عج) است. اعتقاد به اینکه هر حکومتی غیر از حکومت امام معصوم(ع) یا حکومت غیر مأذون از طرف امام معصوم(ع) غصبی است، به طور بالقوه موجد انقلاب است.^۲

شاخه فرعی دکتربین غیبت، آموزه انتظار است؛ به این معنی که مقدر است در آینده‌ای

شناخت انقلاب اسلامی ایران - که هویتی شیعی دارد - بدون شناخت دو امر میسر نیست؛ اول، ایدئولوژی تشیع؛ دوم نقش امام خمینی(س)، به عنوان ایدئولوگ و کارگزار اصلی انقلاب و تفسیرهای وی از آموزه‌های تشیع.

۱. مسجدجامعی، زمینه‌های تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن، ص ۲۶۵ و ۲۶۶.

۲. امرایی، همان، ص ۳۵.

نامعلوم، حاکمی مشروع ظهور کند و عدل را در جهان بگسترده.^۱ به این ترتیب، انتظار ظهور منجی جهانی و استقرار صلح و عدالت، شیعیان را به نوعی نسبت به آینده امیدوار می‌کند. شیعه، تمام آرمان‌ها و آرزوهای خویش را تا زمان رسیدن موعود، دست نایافتنی می‌داند؛ از این رو، همواره از وضع موجود، ناراضی است. امید به ظهور مصلح جهانی، همواره آنها را در حالت آماده‌باش قرار می‌دهد و روحیه‌ای فعال به منتظران می‌دهد. در واقع انتظار عاملی محرک است که انسان را به تلاش و تکاپو وامی‌دارد.^۲

اما تا ظهور منجی، شیعه با واقعیت عصر غیبت روبه‌روست و در این راستا یکی از اساسی‌ترین امکاناتی که در اختیار شیعه قرار می‌گیرد تا بر اساس آن زندگی اجتماعی و سیاسی خویش را با شرایط روز و مقتضیات زمان وفق دهد، اصل اجتهاد است. اجتهاد نه تنها امکان استخراج احکام شرعی را از منابع به فقهای جامع‌الشرایط می‌دهد؛ بلکه تنها در زمینه‌های تخصصی فقهی و شرعی خلاصه نشده و به نوعی در مسائل فرعی و درجه دوم، اجتهاد آزادانه فردی را شاهدیم که امکان ابراز عقیده آزاد را برای تک تک افراد قائل است. بنابراین، این اصل، روح اعتراض و انتقاد را در برابر حاکمیت‌های غیر منعطف تقویت می‌کند. به علاوه شیعه از مجرای مرجعیت به نوعی رهبری اجتماعی دست می‌یابد که در مواقع لزوم می‌تواند نیروها و اقشار مختلف جامعه را سازماندهی و آماده جهاد کند.^۳

بدیهی است که توجه مرجع تقلید به امور سیاسی، اجتماعی و مسائلی که جنبه عمومی آن قابل توجه است همچنین دخالت وی در سیاست یا بی‌تفاوتی وی نسبت به امور سیاسی اجتماعی می‌تواند از نظر تنظیم رفتار سیاسی در مقلدین وی تأثیر بسزایی

۱. حمید اخوان مفرد، ایدئولوژی انقلاب ایران (تهران: پژوهشکده امام خمینی و انقلاب اسلامی، معاونت پژوهشی، ۱۳۸۱)، ص ۱۶۹.

۲. زینب منقی‌زاده، جغرافیای سیاسی شیعیان منطقه خلیج فارس (قم: مؤسسه شیعه‌شناسی، ۱۳۸۴)، ص ۲۷.

۳. همان، ص ۳۸.

داشته باشد.^۱

به این ترتیب، علت اصلی پویایی مذهب شیعه در تجزیه و تحلیل‌های اجتماعی آن است و هم‌آوردی آن را با چالش‌های زندگی مسلمانان باید در عنصر اجتهاد دانست.

همین اصل اجتهاد در طول تاریخ، سبب شد که شیعه دچار جمود و واپس‌گرایی نگردد و همین اصل، جذابیت‌های لازم را برای انطباق معرفت دینی با دستاوردهای دانش بشری در حوزه‌های گوناگون سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و علوم ایجاد کرده است.^۲

پدیده دوم، واقعه کربلا و نقش آن در پی‌ریزی نظریه انقلاب در تشیع است. شیعه، امام حسین(ع) را مظهر یک پرچم سرخ در حال اهتزاز، به عنوان استمرار نبرد حق و باطل می‌داند؛ نبردی که انتقام خون اهل حق را از باطل می‌گیرد و حسین(ع) اسوه ظلم‌ستیزی و نپذیرفتن حکومت غاصبان است.^۳



تشیع ویژگی‌های ایدئولوژی انقلابی را داراست که توانست توسط ایدئولوگ انقلاب اسلامی، هم‌نظم موجود را زیر سؤال ببرد و هم‌نظام مطلوب جدیدی را - نه تنها برای ایران، بلکه برای سایر کشورها - پی‌ریزی کند.

همچنین، عنصر شهادت که از قوی‌ترین نیروهای محرک برای عمل سیاسی است و به تعبیر دکتر علی‌الوردی، مورخ و نویسنده عرب «پیوسته شیعه را به صورت یک آتشفشان خاموش درآورده است.»^۴

حامد الگار نیز معتقد است: «ترکیب دو عنصر غیبت و شهادت به ویژه در

۱. اخوان مفرد، همان، ص ۱۶۶.

۲. مظفر نامدار، رهیافتی بر مبانی مکتب‌ها و جنبش‌های سیاسی شیعه (تهران: پژوهشکده علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۷۶)، ص ۸۰.

۳. امرایی، همان، ص ۳۵.

۴. هنری لطیف‌پور، همان، ص ۱۰.

مراحلی از تاریخ به تشیع دیدگاه و موضعی مبارزه‌جویانه و انقلابی می‌بخشد.^۱ در واقع، شیعیان، مرگ در راه دین خدا (شهادت) را یکی از کلیدهای ورود به ملکوت و اصلی‌ترین عنصر مبارزاتی می‌دانند.

هنگامی که از آموزه شهادت سخن به میان می‌آید، نمادی‌ترین واقعه، شهادت امام حسین (ع) است که در تشیع، مظهر و الگوی تمام‌عیاری برای شهادت شمرده می‌شود. تلقی شیعیان از چنین مرگی پیروزی است، چه دشمن را نابود کنیم و چه شهید شویم در هر حال پیروزیم. این تفکر، ترس از مرگ را - که مهم‌ترین مانع و بازدارنده از انجام مبارزه است - به چالش می‌کشد.^۲

از دیگر آموزه‌های تشیع - که جزء فروع دین نیز می‌باشد - اصل تولی و تبری است؛ به مفهوم دوستی با دوستان خدا و گسستگی از اهل باطل. این نفی و اثبات، جریانی است هم درونی و هم بیرونی. جریان درونی به معنای کوشش برای کسب آمادگی‌های روحی و معنوی است؛ این کوشش، پشتوانه‌ای است برای جهاد عملی و پیگیر در مسیر عینیت بخشیدن به ولایت ائمه طاهرین (علیهم السلام). دوست داشتن، یعنی اثبات ولایت اولیای دین و نفی هر ولایتی که معارض با آنهاست.^۳

از دیگر مبانی نظری تشیع - که عاملی برای تهییج روح انقلابی و از فروع دین می‌باشد - موضوع جهاد است. همین زمینه اعتقادی و سابقه و سرنوشت تاریخی، بستر مناسبی را برای تقویت روح مبارزه - به ویژه در دوران معاصر - فراهم ساخته است. در واقع جهاد با همه ابعاد و شرایط آن، از مؤلفه‌های اساسی فرهنگ سیاسی شیعه به شمار می‌رود.^۴

۱. حامد الگار، چهار گفتار در باره انقلاب ایران، ترجمه مرتضی اسعدی و حسن چیذری (تهران: قلم، ۱۳۶۰)، ص ۱۷.

۲. متقی‌زاده، همان، ص ۴۱.

۳. هنری لطیف‌پور، همان، ص ۸۶ و ۸۷.

۴. همان، ص ۸۵ و ۸۶.

یکی دیگر، از عناصر اساسی فرهنگ سیاسی شیعه، اصل امر به معروف و نهی از منکر است. در چهارچوب این اصل مشارکت سیاسی در امر حکومت و نظارت همگانی بر هیئت حاکم تحقق می‌یابد، سلامت جامعه در ابعاد مختلف تضمین می‌شود و همه فرایض دینی اقامه می‌گردد. عمل به آن، ضامن بقا و استمرار نظام اسلامی صالح و عادل خواهد بود.^۱

یکی دیگر از این عناصر، اصل تقیه است که به ظاهر نمادی محافظه‌کارانه از تشیع می‌باشد؛ حال آنکه وقتی به متون دینی شیعه مراجعه می‌کنیم، در واقع تقیه همان اصل مخفی‌کاری انقلابی است. در متون دینی، تقیه سپر مؤمن معرفی شده است. سپر، از ابزار افراد جنگجو است والا فرد معمولی نیازی به آن ندارد. تقیه به عنوان یک تمهید سیاسی - تشکیلاتی از سوی امامان معصوم(ع) و سایر رهبران و علمای شیعه تجویز شده است و هدف از آن، حفظ و نگهداری نیروها و امکانات شیعه در راه تقویت دین و مبارزه با دشمنان است. بنابراین، حد و مرز تقیه را شرایط و موقعیت‌های زمان مشخص می‌نماید.^۲ به کمک این اصل در انجام فعالیت‌های مخفیانه، می‌توان به‌گونه‌ای موفق عمل کرد. این بهترین تاکتیک و یکی از شیوه‌های عاقلانه مبارزاتی است که در موقع ضعف نیروها و فقدان آمادگی می‌تواند کارساز باشد.

علاوه بر آموزه‌های انقلابی تشیع که ریشه در اعتقادات مذهبی آنها دارد، رویکرد رهبران شیعی برای حفظ استقلال خویش در مقابل حکومت‌ها نیز، درخور توجه است؛ مثلاً آنان «برای حفظ استقلال مالی، خمس را که امری متروک بود، احیا کردند»^۳

همچنین آنان با هدف استقلال قضایی، از مراجعه شیعیان به دستگاه‌های قضایی حکومت‌ها جلوگیری و آنها را منع می‌کردند. استقلال قضایی، موجب بی‌نیازی شیعه از دستگاه حکومتی و بی‌اعتنایی آنها به حکومت‌ها گردید. چنین حالتی از زمینه‌های روحیه انقلابی در برابر

۱. همان، ص ۸۲.

۲. همان، ص ۸۰.

۳. حسینیان، همان، ص ۱۵.

حکومت‌ها است که تشیع در دل خود پرورش می‌داد. استقلال قضایی به حدی گسترش یافت که رهبران شیعه به شیعیان اجازه دادند، شخصا قوانین جزایی را درباره زیردستان و فرزندانشان اجرا کنند.

رهبران شیعه برای جلوگیری از فروپاشی اقلیت شیعه، مانع از جذب شیعیان در دستگاه‌های حکومتی شدند و به شیعیان اجازه جنگیدن، حتی جنگ مقدس ضد کفار را ندادند و شرط جهاد را وجود رهبری عادل قرار دادند. همچنین به آنان اجازه همکاری با حکومت‌های غاصب را ندادند و همکاری با آنها را از محرّمات قطعی اعلام کردند.^۱

با توجه به مبادی نظری و اعتقادی شیعه - که به آن اشاره شد - روشن است که عنصر انقلابی‌گری در تفکر شیعی نهفته است تا آنجا که جورج جرداق، شیعه را اصحاب «مذهب ثوری» یا مکتب انقلابی معرفی می‌کند.^۲

با این اوصاف می‌توان گفت که حرکت انقلابی و جنبش اسلامی در قلمرو شیعه، مشکل ایدئولوژیک مهمی نداشت. اصول اعتقادی، مبانی فقهی، تجربه تاریخی و ساختار روانی و اجتماعی برآمده از این

◆

اصل اجتهاد در طول تاریخ، سبب شد که شیعه دچار جمود و واپس‌گرایی نگردد و همین اصل، جذابیت‌های لازم را برای انطباق معرفت دینی با دستاوردهای دانش بشری در حوزه‌های گوناگون سیاست، اجتماع، اقتصاد، فرهنگ و علوم ایجاد کرده است.

اصول به گونه‌ای نبود که در تعارض با الزامات و فشارهای تاریخ نوین برای دست یازیدن به اقدامات سیاسی و انقلابی قرار داشته باشد. شیعیان به رهبری علمای دین و با تکیه بر مبانی

۱. همان، ص ۱۵ و ۱۶.

۲. همان، ص ۱۸.

ایدئولوژیک خود می‌توانستند در برابر حاکمان جائز و وابسته بایستند و تا سر حد ساقط کردن آنها مقاومت کنند.^۱

با این حال تشیع در گذشته و دست‌کم تا قرن نوزده میلادی نوعی رابطه مسالمت‌آمیز با سیاست داشته است و در مقاطعی حتی با حکومت‌های وقت کنار می‌آمده است.^۲

مارتین کرامر، محقق عنود و اسلام‌ستیز امریکایی هم به این امر اشاره کرده است: مذهب تشیع در بیشتر سده‌های هزاره اول اسلام، ایدئولوژی اقلیت‌های محتاطی بود که تلاش می‌کردند آرمان‌های مذهبی را با واقعیات روزمره آشتی دهند. مذهب تشیع دوازده امامی ایدئولوژی یکی از این اقلیت‌ها بوده است. تدابیری که این شیعیان اندیشیده بودند، بسیار گسترده و فراگیر بود. به طوری که حتی شامل تقیه یا کتمان عقاید واقعی نیز می‌شد... در چنین فضایی از تفکر بوده که برداشت مبتنی بر تطبیق و سازش، شکوفا شده و ریشه‌کن‌سازی بی‌عدالتی به زمانی موکول گردیده است که غیبت امام دوازدهم بسر آید و با بازگشت خود عدالت را در همه جا برقرار سازد.^۳

البته این نمایش هماهنگی، بیشتر، موقت بود و هرگز این دیدگاه شیعه را - که همه قدرت‌های - دنیوی در زمان غیبت امام زمان نامشروع هستند - تهدید یا تضعیف نکرد. و شیعه همچنان بر تجزیه‌ناپذیری مشروعیت حکومت امام، اصرار دارد. باید گفت آرمان‌خواهی اثری متناقض بر رفتار سیاسی شیعه داشته است؛ به این صورت که گاه پیروان خود را به فعالیت خستگی‌ناپذیر وادار کرده است و گاه این عقیده که همه قدرت‌های دنیوی نامشروع‌اند یا مشروعیتشان در حد یک مصالحه موقت مشکوک است، شیعه را واداشته تا کمتر در سیاست دخالت کند و آن را شایسته نفوس لایابالی و جاه‌طلب بینگارد. این امر با یکی دیگر از وجوه

۱. مسجدجامعی، تاریخ تفکر سیاسی در اسلام در قلمرو تشیع و تسنن، ص ۲۸۵.

۲. اخوان مفرد، همان، ص ۱۴۶.

۳. محمود تقی‌زاده داوری، «شیعه و مذاهب دیگر، بررسی حوزه‌های جغرافیای تعاملی و چالشی»، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۲، ش ۸، زمستان ۱۳۸۳، ص ۱۷۸.

آرمان‌خواهی شیعه، یعنی این اصل که اجرای عدالت واقعی جز با بازگشت امام غایب ممکن نیست، تشدید شده است^۱ و به همین دلیل در تشیع این عقیده رواج یافت که تا ظهور امام موعود برقراری حکومت کامل و عادلانه میسر نیست.

به هر حال در این دوران، آرامش‌طلبی و پذیرش وضع موجود با تفاسیر خاص میانه‌رو و گاه محافظه‌کارانه از آموزه‌ها، ارزش‌ها، هنجارها و نمادهای مذهبی - که در این دوران غالب بوده‌اند - توجیه می‌شدند.

◆ تحول درونی تفکر اسلام شیعی در ایران

اگر بپذیریم که دگرگونی‌های سیاسی و اجتماعی می‌توانند زمینه‌ای فراهم کنند که تفاسیر نادرست از آموزه‌های مذهبی کنار گذاشته شوند و تصویر اصلی آنها دوباره خود را نشان دهد، می‌توان گفت که در ایران هم عوامل متعددی وجود داشت که منجر به تفسیر نوین انقلابی و رادیکال از تشیع و اسلام شیعی گردید؛ به طوری که توانست نقش ایدئولوژی انقلاب اسلامی را ایفا کند.

در واقع در طول یکصد سال اخیر، به تدریج برداشت سنتی شیعه از بسیاری مقولات و مفاهیم مذهبی عوض شد. بخشی از این تحول، ناشی از آگاهی فکری مردم و بخشی دیگر مربوط به تحولات سیاسی - اجتماعی بود، قسمتی نیز به نقش اجتهاد، یعنی ابزار مقطعی و ذاتی تشیع برای انطباق با تحولات تازه، برمی‌گشت. حاصل این تحول، کنار گذاشتن تقدیرگرایی و کشیده شدن به سوی مبارزه و عمل بود.^۲

در فرآیند انقلاب اسلامی، اسلام شیعی به مثابه ایدئولوژی راهنمای عمل و رهایی‌بخش جلوه‌گر شد. در این راستا نقش امام خمینی(س)، به عنوان ایدئولوگ انقلاب اسلامی برجسته

۱. حمید عنایت، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر (تهران: خوارزمی، ۱۳۶۲، ج ۳)، ص ۶۳-۵۵.

۲. امرایی، همان، ص ۳۵.

است. مهم‌ترین اقدام امام در زمینه اسلام شیعی، ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود، از جمله این اقدامات، بطلان تز جدایی دین از سیاست، حرام شمردن تقیه و سکوت در برابر ظلم، حمله به دربار، نهاد سلطنت و... و ادامه مبارزه تا تغییر نظام سلطنتی به یک حکومت اسلامی بود.



مهم‌ترین اقدام امام در زمینه اسلام شیعی، ایجاد تغییرات اساسی در تفکر اجتهادی شیعه نسبت به سیاست بود، از جمله این اقدامات، بطلان تز جدایی دین از سیاست، حرام شمردن تقیه و سکوت در برابر ظلم، حمله به دربار، نهاد سلطنت و... و ادامه مبارزه تا تغییر نظام سلطنتی به یک حکومت اسلامی بود.



مبنای این تغییرات، تفسیر جدید امام از مفاهیم، آموزه‌ها و نمادهای اسلام شیعی بود. تصویری که ایشان از اسلام ارائه نمود اسلام ضد استعمار، ضد بی‌عدالتی و جهل، ضد اختلافات طبقاتی و ضد امپریالیسم بود. در واقع قرائت امام از عناصر و آموزه‌های اسلام شیعی - دست کم در پاره‌ای موارد - چهره‌ای ایدئولوژیک بدان بخشید که تمامی دقایق و عناصر سایر ایدئولوژی‌های سیاسی - اجتماعی مدرن و رهایی‌بخش را دربر داشت. در این ایدئولوژی انقلابی، اسلام، مکتبی توحیدی معرفی شد که با توجه به

غناي مفهومی و محتوایی، تمامی نیازهای فردی، اجتماعی، مادی و معنوی زندگی انسان را تأمین و سیاست را همنشین دیانت می‌کند؛ هر دو را با سیمایی عرفانی زینت می‌دهد و در کنش اجتماعی، هر سه را در منزلت تئوری، راهنمای عمل می‌نماید.^۱

محورهای اساسی این ایدئولوژی عبارت بودند از: تأکید بر ابعاد سیاسی اسلام شیعی و

۱. اخوان مفرد، همان، ص ۲۳۳.

جنبه‌های ضد دیکتاتوری و ضد امپریالیستی آن، تأکید بر مبارزه و پذیرش سختی‌ها، ارائه تصویری تاریخی از حکومت اسلامی و تأکید بر ضرورت تشکیل آن، پرهیز از تفرقه میان مسلمانان و تأکید بر وحدت میان شیعه و سنی.^۱

به این ترتیب انقلاب اسلامی، به عنوان یک انقلاب ایدئولوژیک و با جهان‌بینی خاص خود - که از مکتب اسلام سرچشمه گرفته - نه تنها در بعد ملی، احیاگر برنامه‌ها و نظریات خاص اسلام برای حکومت و دولتمداری است، بلکه در بعد جهانی نیز افکار و نظریات خاص دارد و ارائه‌دهنده نظام جهانی ویژه خود می‌باشد.

به همین دلیل انقلاب اسلامی - با توجه به ایدئولوژی جهان‌شمول خویش - هدف خود را احیای هویت واحد اسلامی، مبارزه با ناسیونالیسم و برقراری اتحاد جهان اسلام در برابر غرب قرار داد. بر همین اساس از نظر کارگزاران انقلاب اسلامی، وطن اسلامی توسعه می‌یابد و در نهایت کل جهان را در بر می‌گیرد. این بدان دلیل است که اسلام دارای رسالتی انسانی برای تمام بشر است و خاص جوامع مسلمان نیست. از این رو برنامه اسلام، نجات انسان‌هاست؛ لذا در این راستا اولین قدم بحث صدور انقلاب است.

◆ صدور ارزش‌ها و آرمان‌های انقلاب اسلامی

یک رژیم انقلابی زمانی در پی صدور انقلاب و اصول و ارزش‌های آن به جهان خارج بر می‌آید که ادعای جهان‌شمولی داشته باشد. چنین نظامی دارای ایدئولوژی مبتنی بر فلسفه اجتماعی و سیاسی است و این فلسفه - که به طور مطلق و عام پذیرفته شده - به مثابه نسخه‌ای تلقی می‌شود که قابلیت تجویز برای ظرفیت‌های مکانی و جغرافیایی دیگر را دارد.^۲ از جمله دلایلی که موجب می‌شود، پدیده صدور انقلاب ظهور کند، این است که تحولات

۱. همان.

۲. امرایی، همان، ص ۵۰.

سیاسی کشورها تا حدودی می‌تواند کشورهای همسایه را نیز تحت تأثیر قرار دهد. بر این اساس، شعارهای انقلابی یک ملت به‌پا خاسته تأثیر مستقیمی بر نحوه زندگی و حکومت کشورهای همسایه دارد؛ از این رو، عده‌ای به مخالفت با انقلاب کشور مادر، بر می‌خیزند و در صدد بر می‌آیند تا با سرکوب آن، مانع از نفوذ افکار و اندیشه‌هایش در کشور متبوع خود گردند. کشورهای انقلابی نیز برای حفظ دستاوردهای انقلاب خود، متقابلاً اقدام می‌کنند و روش‌های گوناگونی برای صدور انقلاب اتخاذ می‌نمایند که منبث از روح حاکم بر ایدئولوژی آنها است.^۱

با توجه به مطالب فوق، می‌توان گفت که انقلاب ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست؛ به ویژه آنکه این انقلاب با رویکرد ایدئولوژیک خود، از توانمندی بسیاری برای تأثیر بر جغرافیای جهان اسلام برخوردار است.

◆

مهم‌ترین عامل تأثیر انقلاب ایران بر جهان اسلام و حتی مستضعفان کل جهان همان بعد ایدئولوژیک آن است.

این انقلاب با تکیه بر بعد معنوی خود، تأثیر بسزایی در گرایش نهضت‌های اسلامی به سوی تحقق اندیشه‌های اسلامی داشته است. به واقع این انقلاب نه تنها الگوی عینی برای نهضت‌های شیعی منطقه بلکه نمونه‌ای از انقلاب اسلامی برای تمام مسلمانان جهان به شمار می‌آید.

◆ ماهیت انقلاب اسلامی ایران

از آنجا که انقلاب اسلامی ایران به وسیله مردم مسلمان شیعه و رهبری مسلمان به وجود آمد، بی‌تردید از بسیاری خصوصیات اسلام - در پرتو تشیع - بهره گرفت و رشد نمود. این

۱. همان، ص ۵۱.

انقلاب در شیعیان جهان، به‌ویژه شیعیان عربستان، عراق و لبنان تأثیر محسوس‌ی نهاد، ولی رهبر و مسلمانان شیعه ایران خود انقلاب را یک انقلاب منحصر‌الاسلامی معرفی می‌نمایند. چرا که معتقدند این خود اسلام است که همه ارزش‌ها را جمع و متحد می‌کند، نه چیز دیگر. بنابراین بر فرض که انقلاب اسلامی از اصول و ارزش‌های تشیع برخوردار شده باشد انقلاب غیر اسلامی نمی‌شود؛ همان‌گونه که انقلاب‌های رهبری عثمان دن فودیو و حاج عمرو مهدی در افریقا، انقلاب اسلامی بودند نه انقلاب شافعی، مالکی، حنفی و غیره.^۱

از طرفی، انقلاب اسلامی مدعی است که تنها حلقه‌ای از یک زنجیر طولانی می‌باشد که به وسیله پیامبر اسلام - حتی پیامبران قبل از اسلام - بنیانگذاری شده است و به این انقلاب نیز ختم نمی‌شود. انقلاب ایران تنها بخشی از انقلاب مداوم پیامبران و بخشی از انقلاب مداوم اسلام است که تا استقرار عدل جهانی و حاکمیت موعود مطلق خدا به دست بندگان صالح او و مستضعفان ادامه خواهد یافت.^۲

به این ترتیب انقلاب اسلامی نمی‌تواند به تشیع محدود باشد؛ چرا که این انقلاب، تداوم انقلاب انبیا - از جمله پیامبر اسلام - و بازسازی ارزش‌های نبوت عامه و خاصه و امامت عامه و خاصه است و بر خلاف کوشش مغرضان یک انقلاب فرقه‌ای، ملی، نژادی و طبقاتی نیست و می‌تواند الگوی خوبی برای انقلاب کردن دیگر ادیان، پیروان مذاهب مختلف اسلامی و تمام مستضعفان باشد.

بر این اساس می‌توان گفت که انقلاب ایران نه اولین انقلاب اسلامی است و نه آخرینش خواهد بود. ارزش و اهمیت این انقلاب بیشتر در آن است که عملاً روش و دیدگاه جدیدی را به همراه آورده است که این روش و دیدگاه برای تمامی مسلمانان و حتی مستضعفانی که در پی استقلال و آزادی و عدالت هستند درخور تأمل و تعمق است.

۱. ابوالفضل عزتی، اسلام انقلابی و انقلاب اسلامی (تهران: هدی، بی‌تا)، ص ۴۰۷.

۲. همان، ص ۴۰۳.

در ادامه سعی می‌کنیم به بررسی نفوذ افکار انقلاب اسلامی ایران بر مسلمانان در بحث صدور انقلاب و حتی در ارتباط با مستضعفان جهان بپردازیم.

◆ انقلاب اسلامی ایران، صدور افکار انقلابی و بیداری اسلامی جهانی

انقلاب اسلامی ایران، نقطه آغازی برای خیزش تفکر اسلامی است. قرن بیستم با عقب‌نشینی اسلام در پی ضعف و ناتوانی امپراطوری عثمانی آغاز شد؛ اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سال‌های پایانی این قرن، آغاز دوره جدیدی از ظهور مجدد اسلام را نوید داد.

انقلاب اسلامی ایران بر اساس مبانی عقیدتی خود نوعی واکنش خشمگینانه نسبت به اوضاع موجود نشان داد و نارضایتی خود را از نظم کنونی و جایگاه اسلام در دوران معاصر به منصفه ظهور گذاشت. از طرف دیگر با طرح عقاید روشنگرانه، نارضایتی خود را نسبت به استراتژی دیگر جنبش‌های اسلامی برای رسیدن به اسلام ایده‌آل ابراز نمود و

اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یک روند فراگیر، نه فقط مسلمانان، بلکه تمام مستضعفان جهان را به حرکت درآورد؛ چرا که مخاطب امام، مستضعفان سراسر کره زمین بود.

ندای رهایی از جریان حرکت تاریخ را سرداد - جریانی که بر اساس مفروضات از پیش تعیین شده مدرنیزاسیون بود - بر این اساس از یک طرف، خواهان افزایش توان مبارزاتی و تغییر الگوی عمل بود و از طرف دیگر، آلترناتیو مناسبی برای رهایی از وضع موجود و ایجاد وضع مطلوب داشت. روش حرکت اسلامی در ایران تبدیل نیروهای بالقوه به حالت بالفعل و بسیج اندیشه‌های ذخیره شده در درون ملت‌های اسلامی بود. انجام این کار بر اساس نوعی مدیریت همه‌جانبه با توان حرکتی بسیار بالا و به مراتب سریع‌تر از سایر جنبش‌های اسلامی بود. این

حرکت اسلامی به عنوان الگویی برای ترفندهای ایدئولوژیک سایر ملل اسلامی مورد توجه قرار گرفت و باعث شد که آنها، تحولی عمیق در راهبرد یا شیوه عمل و چگونگی تعیین اهداف خود ایجاد نمایند. حرکت اسلامی ایران، زمینه این ذهنیت را فراهم آورد که هنوز توان تصور آرمانی، فراتر از آنچه که سایر حرکت‌ها در گذشته انجام داده‌اند و امکان دگرگونی و بازگشت به دوران طلایی اسلامی وجود دارد. شاید اعتقاد به همین توانمندی بود که روح تحرک را میان سایر جنبش‌های اسلامی متأثر از انقلاب ایران فزونی بخشید.^۱

از این رو، می‌توان گفت مهم‌ترین عامل تأثیر انقلاب ایران بر جهان اسلام و حتی مستضعفان کل جهان همان بعد ایدئولوژیک آن است.

به این ترتیب، اندکی پس از پیروزی انقلاب اسلامی، یک روند فراگیر، نه فقط مسلمانان، بلکه تمام مستضعفان جهان را به حرکت درآورد؛ چرا که مخاطب امام، مستضعفان سراسر کره زمین بود:

باید این نهضت در تمام عالم، نهضت مستضعف در مقابل مستکبر در تمام عالم گسترده شود. ایران مبدأ و نقطه اول و الگو برای همه ملت‌های مستضعف است. در تمام اقشار عالم، مسلمین به پا خیزند، بلکه مستضعفین به پا خیزند. وعده الهی که مستضعفین را شامل است و می‌فرماید که ما منت بر مستضعفین می‌گذاریم که آنها امام ما بشوند در دنیا و وارث باشند، امامت حق مستضعفین است. وراثت از مستضعفین است. مستکبرین غاصبانند، مستکبرین باید از میدان خارج شوند.^۲

در این میان، انقلاب اسلامی ایران، بیش از همه کشورهای حوزه خلیج فارس و خاور میانه سرمنشأ تحولات دامن‌دار - از درون و بیرون - گردید. ایده‌های انقلاب اسلامی، خود به خود در منطقه خاورمیانه گسترش یافت و موجب بی‌ثباتی‌های داخلی در بسیاری از کشورها گردید. رژیم‌هایی چون عراق و عربستان سعودی - که به عنوان با ثبات‌ترین کشورهای منطقه در نظر

۱. امرایی، همان، ص ۱۷۷ و ۱۷۸.

۲. صحیفه امام، ج ۷، ص ۲۹۳.

گرفته می‌شدند - به شکل ناگهانی به آسیب‌پذیری خود پی بردند. هر چند ایران در تنش‌های داخلی این کشورها مداخله مستقیم نداشت، اما کاملاً واضح است که امواج انقلاب اسلامی تأثیر خود را گذاشته بود. کشورهایی که دارای جوامع شیعی بودند بیشترین تأثیر را از انقلاب اسلامی دریافت کردند. ناآرامی‌های شیعیان در کشورهای کویت، بحرین، عراق و عربستان و ... نشان داد که با ظهور انقلاب اسلامی آنها توانستند به ظمی که دچار آن هستند، پی ببرند و دست به قیام بزنند. انقلاب ایران در افتخار و اعتماد به نفس مسلمانان - چه سنی و چه شیعه و بدون توجه به ملیت یا تمایلات سیاسی آنها - تأثیر بسیاری داشته است، به طوری که در سراسر جهان اسلام از یوگسلاوی و مراکش تا اندونزی و فیلیپین یک جنبش مردمی نضج گرفت. این تجدید حیات اسلامی به شکل‌های مختلف ولی با بیان عقیدتی مرتبط با یکدیگر تجلی یافته است. این نیروی مردمی اسلامی، مرزهای جغرافیایی را در نوردید؛ از ایدئولوژی‌های سیاسی و نظام‌های ملی فراتر رفت و به عنوان یک معضل جدی برای رژیم‌های محافظه‌کار حاکم بر این کشورها عنوان شد.

در واقع، پیروزی انقلاب اسلامی ایران، یک افسون و جذبۀ اسلامی را در مردم ایجاد کرد و از آن پس مردمی که از عظمت و قدرت خود بی‌اطلاع بودند و همه مظالم را در چارچوب قسمت و قضا و قدر الهی تفسیر می‌کردند با برداشتی نوین از اسلام به حرکت درآمدند.

◆ انقلاب اسلامی و رستاخیز شیعه

هر چند انقلاب اسلامی در عصر حاضر یک الگوی عملی را به جنبش‌های اسلامی عرضه داشته است و انقلاب ایران برای آنان منشأ تحولی عظیم بوده، اما به نظر می‌رسد به دلیل ایفای نقش اسلام شیعی، به عنوان ایدئولوژی انقلاب، بیشترین تأثیر را بر جمعیت‌های شیعی منطقه داشته است.

فرانسوا توال به طور ضمنی به این امر اشاره کرده است:

از سال ۱۳۵۷ با پیروزی انقلاب اسلامی، قدرت منطقه‌ای ایران سیاست ویژه و جدیدی

در پیش گرفت. ایران داعیه رهبری جهانی انقلاب اسلامی در مبارزه با استکبار جهانی را داشت و می‌خواست این مبارزه را در هیئت یک «اتحادیه شیعی» علم کند.

هر چند جمهوری اسلامی ایران خواستار وحدت همه مسلمانان جهان برای حمایت مستضعفین و مبارزه با مستکبرین بود، اما در عمل به علت برخوردهای شدیدی که بین سیاست خارجی ایران با کشورهای عرب که اکثراً انقلاب اسلامی را یک تهدید ایدئولوژیکی تلقی می‌کنند، ایجاد شد، جهت‌گیری آرمان‌های انقلاب اسلامی به سمت ایجاد یک اتحادیه شیعی، مسجل شد.

هدف این اتحادیه نه تنها ایجاد هماهنگی میان جوامع شیعی، بلکه استقرار اسلام شیعی در جهان اسلام و قصد اسلامی شدن عمومی جهان بود.^۱

تشیع با این آرزوی نجات، اصل و ریشه خود را باز می‌یابد. در واقع ایمان آوردن مجدد جهان اسلام به تشیع و جنبش‌های اسلامی شیعیان به معنی اعاده اسلام واقعی است؛ اسلامی که همراه با پویایی، اخلاص، قدرت انقلابی و معترض نسبت به تمام نظام‌های اجتماعی - سیاسی، به منظور اسلامی شدن کل جهان است. به عبارت دیگر با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در سایه ایدئولوژی انقلابی تشیع، ایران پایگاه مهمی برای جهان تشیع به شمار می‌آید و از جنبه‌های مختلف می‌تواند راهی برای تغذیه شیعیان دیگر نقاط جهان باشد.

نکته قابل توجه دیگر، آن است که در احیای تشیع، عوامل دیگری نیز دخالت داشته‌اند که برخی از آنها خاص شیعیان نیست، بلکه شیعه و سنی در برخورد با آنها دچار سرخوردگی شده‌اند؛ عواملی از قبیل: تجدد و ایدئولوژی‌های غربی، شکست حکومت‌های عرب در مسئله

عزت نفس و قدرت شیعیان برای غلبه بر ظلم در انقلابی متجلی شد که اسلام‌گرایان، شیعیان سکولار و بسیاری از سنی‌ها را به سوی خود کشاند.

۱. توال، همان، ص ۴۴.

فلسطین، ایجاد خدشه در جامعه که به دنبال شهرنشینی و دیوان‌سالاری به وجود آمد؛ بدون اینکه در مقابل آن، منافع محسوسی برای توده مردم داشته باشد. تمامی این مسائل به افزایش رشد پایبندی شیعه به مذهب - هم به عنوان اعتقاد شخصی و هم به عنوان ایدئولوژی سیاسی - کمک می‌کنند.^۱

بنا بر تجربه، احیای شیعه ریشه‌های دیگری نیز دارد؛ عواملی از قبیل: انزوای دیرین سیاسی، ممانعت حکومت‌ها از آزادی مذهبی، تضعیف آزادی عمل، استقلال مالی نهادهای مذهبی، تبعیض اجتماعی و اقتصادی فراگیر و...^۲

به این ترتیب، پیدایش اعتماد به نفس در میان شیعیان، طبق شرایط مختلف و از کشوری به کشور دیگر متفاوت است، ولی آنچه مسلم است انقلاب ایران از هویت سیاسی شیعه - که قبلاً شکل گرفته بود - حمایت کرده و مرکزی برای آن به وجود آورده است. عزت نفس و قدرت شیعیان برای غلبه بر ظلم در انقلابی متجلی شد که اسلام‌گرایان، شیعیان سکولار و بسیاری از سنی‌ها را به سوی خود کشاند. پس از انقلاب ایران، دیگر کسی از اظهار شیعه بودن خود نگران نبود. ایران به شیعیان جرأت داد تا هویتشان را بیان کنند و ابزاری در اختیار آنها گذاشت که خود را معرفی نمایند.^۳

◆ صدور افکار انقلابی، تهدید منافع غرب

انقلاب اسلامی ایران، غرب را با پدیده‌ای مذهبی مواجه کرد، که اگر چه فی نفسه جدید نبود و بیش از ۱۴۰۰ سال سابقه تاریخی داشت اما با شناخت غرب از مسائل بین‌المللی و برداشت

۱. گراهام فولر و رند رحیم فرانکه، «هویت شیعه»، ترجمه: خدیجه تبریزی، فصلنامه تخصصی شیعه‌شناسی، س ۱،

ش ۳ و ۴، پاییز و زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۴۰.

۲. همان.

۳. همان، ص ۲۴۵.

نادرست آنان از حرکت‌های مذهبی - به خصوص اسلامی - مطلقاً برای آنها قابل توجیه نبود؛ به همین جهت آنها را مبهوت و غافلگیر کرد. این پدیده جدید که به نام‌های مختلفی همچون: بنیادگرایی اسلامی، اصول‌گرایی اسلامی، بیداری اسلامی، رستاخیز اسلامی و... معروف شد، حرکتی مبتنی بر بازگشت به خویشتن و تأکید بر هویت فراموش‌شده اسلامی در برخورد با جوانب مختلف حیات بشری و بر خلاف منافع و اهداف غرب بود.^۱

در این میان اندیشه صدور انقلاب، به عنوان یکی از اصول تغییرناپذیر سیاست خارجی ایران، از عوامل مهم مخاطره‌ساز برای منافع آمریکا بود. از یک طرف وقوع انقلاب در جزیره ثبات آمریکا، توازن قوا را بر هم زد و از طرف دیگر با اعلام چهارچوب اصلی سیاست خارجی ایران، یعنی تز «نه شرقی، نه غربی» یک قدرت جدید، مبتنی بر ایدئولوژی اسلامی - جدای از ایدئولوژی‌های مسلط جهانی - به وجود آمد.^۲

آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه در انقلاب و تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای را پیش روی شیعیان جهان گشود. آنان عزت خویش را باز یافتند و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند.

با پیروزی انقلاب اسلامی، نقش تاریخی ایران از مرزهای جغرافیایی‌اش فراتر رفت و افکار انقلابی از این کشور به اقصی نقاط جهان رسوخ کرد؛ به گونه‌ای که امروز نه تنها کسی در مورد اهمیت جنبش‌های اسلامی در سراسر جهان شک ندارد، بلکه همه آنها از یک قدرت اسلامی، که تهدیدی جدی برای بلوک غرب به حساب می‌آید، صحبت می‌کنند.

۱. جمیله کدیور، رویارویی: انقلاب اسلامی ایران و آمریکا (تهران: اطلاعات، ۱۳۷۲)، ص ۹۹.

۲. همان، ص ۲۲۴.

به اعتقاد بسیاری، جنگ سرد آینده غرب با اسلام‌گرایی انقلابی، مشکل‌تر از جنگ سردی خواهد بود که با شوروی داشت؛ چرا که این جنگ دارای مرزهای خاصی نیست.^۱

از تحلیل انقلاب اسلامی در سطح کلان، می‌توان دریافت که انقلاب ایران اساساً در تعارض با نظام بین‌الملل رخ داد و ارزش‌ها و هنجارهایی را مطرح نمود که با منافع استکبار جهانی، منافات داشت. آموزه‌های ایدئولوژیکی شیعه در انقلاب و تحقق حاکمیت تشیع در ایران، افق‌های تازه‌ای را پیش روی شیعیان جهان گشود. آنان عزت خویش را باز یافتند و به عنصری تأثیرگذار در تحولات منطقه‌ای و جهانی تبدیل شدند.

نهضت حزب‌الله لبنان، تجلی عینی اندیشه‌های سیاسی امام خمینی بود. این نهضت، نخستین پیروزی مسلمانان و اعراب را در برابر اسرائیل محقق ساخت و بدین‌ترتیب راه پیروزی را به همه مسلمانان نمایاند و نشان داد که تعالیم روح‌بخش تشیع علوی می‌تواند همیشه راه‌گشا باشد. با این پیروزی، شیعیان دیگر نقاط جهان نیز در معادله قدرت جهانی حضور یافتند، حضور مؤثری که توجه سلطه‌گران جهانی را به خود معطوف داشت و موجب شد برای آنان جایگاه ویژه‌ای در عرصه مناسبات بین‌المللی در نظر گرفته شود.

◆ جمع‌بندی

بر اساس آنچه گفته شد، موفقیت اسلام شیعی در ایفای نقش ایدئولوژی انقلابی ایران، تشیع را به عنوان مهم‌ترین کارگزار در سطح ژئوپلیتیک شیعه و حتی جهان اسلام مطرح کرده است؛ به طوری که بسیاری از جنبش‌های اسلامی - چه سنی و چه شیعی - انقلاب اسلامی ایران را الگوی مبارزاتی خود قرار داده‌اند. در واقع انقلاب ایران به همان سان که در بعد نظری، در محدوده جغرافیایی خاصی محصور نماند و اهداف و آرمان‌های سیاسی - اجتماعی جهانی را پی‌ریزی نمود، در حوزه عملی نیز استراتژی خویش را به گونه‌ای سامان داد، که دقیقاً اهداف

۱. همان، ص ۲۲۵.

جهانی و انسانی انقلاب را - که برخاسته از عقاید یک انقلاب دینی و اسلامی است - مورد توجه قرار دهد و بر اساس راهبردهایی همچون: عدم تعهد واقعی بر مبنای اصول ایدئولوژیک، ایستارهای ضد استعماری، موقعیت منطقه‌ای و جغرافیایی، اهداف زیر را دنبال کند: گسترش اسلام ناب (شیعی)، صدور انقلاب، تغییرات عمده در افکار عمومی و ایستارهای ملل محروم، حمایت از مستضعفان جهان، وحدت مسلمانان جهان، استقرار عدالت جهانی و... این اهداف در چالش با ساختار نظام بین‌الملل مورد نظر امریکاست و به همین دلیل هژمونی آن را به مبارزه می‌طلبند.